

گونه‌شناسی دیدگاه مورخان شیعی درباره رویدادهای عصر خلیفه دوم (مطالعه موردی: یعقوبی، عمادالدین طبری)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

احسان انتظاری*

چکیده

رویدادها و سیاست‌های برجسته و خاصی همچون امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مختلف در عصر خلیفه دوم (۱۳-۲۳ هجری) صورت پذیرفت که در منابع تاریخی اهل سنت انعکاس گسترده‌ای داشته و گزارش‌های این دسته از منابع، دارای وحدت رویه نسبی هستند؛ ولی در منابع تاریخی شیعی وحدت رویه فوق محل تأمل است. سؤالی که در این زمینه وجود دارد این است که دیدگاه مورخان شیعی درباره رویدادهای عصر خلیفه دوم چیست؟ یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است، نشان می‌دهد که ثبت، گزارش و تحلیل وقایع عصر خلیفه دوم توسط مورخان شیعی با دو گرایش متفاوت، سبب وقوع دو گونه تعاملی و انتقادی گشته است. برای نمونه می‌توان گفت که در آثار مورخ شیعی همچون عمادالدین طبری با گرایش کلامی، دیدگاه انتقادی نسبت به گزارش رویدادهای عصر خلیفه دوم، همراه با نقد عملکرد خلیفه وجود دارد و بیشتر در مقام احتجاج با اهل سنت است؛ در حالی که در آثار مورخ شیعی دیگر همچون یعقوبی با گرایش غیرکلامی، چنین نقدی یافت نشده و همسویی و تعامل بیشتری با مورخان اهل سنت در نقل اخبار خلیفه دوم و امور دیگر دارند. **واژه‌های کلیدی:** گونه‌شناسی، عصر خلیفه دوم، مورخان شیعی، یعقوبی، عمادالدین طبری، تعاملی، انتقادی.

مقدمه

در عصر خلیفه دوم (۱۳-۲۳هـ.ق) رویدادها و سیاست‌های برجسته و خاصی همچون بحث فتوحات و توسعه قلمرو خلافت در سرزمین‌های اسلامی، انتخاب کارگزاران با گرایش‌های متفاوت، اقدامات فرهنگی و اجتماعی مختلف، فتاوی خاص و بحث تعیین جانشین توسط شورای انتخابی خلیفه، صورت پذیرفت که در منابع اهل سنت انعکاس گسترده‌ای دارد و می‌توان گفت که گزارش‌های این دسته از منابع از وحدت رویه برخوردارند؛ اما ثبت، گزارش و تحلیل وقایع عصر خلیفه دوم توسط مورخان شیعی با دو گرایش کلامی و غیرکلامی، سبب وقوع دیدگاه‌های مختلف و گاه متناقضی درباره رویدادهای عصر خلیفه دوم (۱۳-۲۳هـ.ق) گشته است که بررسی آن‌ها با توجه به نگاه خاص این دسته از مورخان نسبت به خلیفه دوم اهمیت بسیار دارد.

از این‌رو در ابتدا گونه‌های تاریخ‌نگاری شیعی (کلامی و غیرکلامی) و مبانی آن معرفی شده و سپس دو تن از مهم‌ترین مورخان شیعه تا انتهای قرن ۷هـ.ق. و آثارشان بررسی و نظریات و دیدگاه‌های آنان، درباره رویدادها و تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عصر خلیفه دوم، بررسی و تفاوت دیدگاه دو مورخ فوق در موضوعات موردتحقیق قرار گرفته است.

با جستجو در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و مقالات، موردی با موضوع فوق یافت نشد. هر چند کتاب‌هایی در زمان حاضر به‌صورت کلی و غیرتطبیقی به زندگی خلیفه دوم پرداخته‌اند، نظیر: *سیمای فاروق اعظم عمر بن خطاب تألیف ماموستا ملا عبدالله احمدیان* که وقایع این عصر را بیان کرده است. همچنین کتاب *تاریخ سیاسی اسلام جلد ۲ (تاریخ خلفا) از رسول جعفریان و تاریخ اسلام تا سال ۶۰ هجری از مهدی پیشوایی* که مطالب مربوط به عصر خلیفه دوم را پوشش داده‌اند.

همچنین از اهداف این تحقیق را می‌توان شناخت حجم و نوع داده‌های مورخان شیعی با دو گونه کلامی و غیرکلامی در مورد تحولات عصر خلیفه دوم دانست.

۱- تاریخ‌نگاری شیعه و مبانی آن

شیعیان به موازات سایر فرق اسلامی در تدوین دانش‌های اسلامی کار خود را آغاز نمودند. یکی از این دانش‌ها، دانش تاریخ بود. در کنار جنبش تاریخ‌نگاری عراق، کسانی از شیعیان امامی نیز در نگارش تاریخ اسلام همراهی می‌کردند. موضوعات گوناگون سیره نبوی و نیز تاریخ تحولات عراق از موضوعات مورد علاقه مورخان شیعه بود. طبیعی است که در این میان، حرکت‌ها و جنبش‌های شیعی یا متمایل به تشیع یا حتی مخالف دولت اموی برای آن‌ها مهم‌تر می‌بود زیرا اخبار علویان و جنبش‌های شیعی یا از میان می‌رود یا به صراحت تحریف می‌شود. دیگر تحولات نظیر بحث از تاریخ خلفا نمی‌توانست توجه شیعیان را به خود جلب کند به دلیل آنکه شیعه پیوندی میان تاریخ خود و تاریخ آن‌ها نمی‌دید و طبعاً جز از زاویه منفی به آن نمی‌نگریست. (جعفریان، بی‌تا: ۱۳)

از آنجا که شیعیان امامی در قرون نخست تحت فشار شدید سیاسی و اجتماعی مخالفان بودند، بخش اعظم رساله‌ها و کتاب‌های ایشان که شامل تک‌نگاری‌های تاریخی فراوان بود، از بین رفت، مانند آثاری از ابان بن عثمان احمر بجلی، عبدالله بن میمون القداح، اصبع بن نباته، ابراهیم بن محمد ثقفی و عبدالعزيز جلودی ازدی. (داداش نژاد، ۱۳۸۶)

در طی سه قرن نخست هجری و پس از آن، نگرش تاریخی شیعیان اعتقادی، محدود به بحث مختصر در زمینه سیره پیامبر ﷺ، زندگی امامان علیهم‌السلام و مسائلی شد که در اطراف مسأله امامت، نظیر بحث علم امام علیهم‌السلام و عصمت ایشان

و نص بر اعیان ائمه بود؛ زیرا با انحراف مسیر خلافت، شیعیان کاری به حکومت خلفا و سران آن نداشتند و حکومت آنان را تاریخ غاصبانی می‌دانستند که دلیلی برای پرداختن به آن دیده نمی‌شد.

همچنین با راه یافتن جعل و وضع فراوان در نگارش آثار تاریخی، وارونه جلوه دادن حقایق توسط حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و خلط بین افسانه و قصه‌سرایی، انگیزه پرداختن به نگارش تاریخی محض و عمومی در آنان کم‌رنگ شد.

در نتیجه آنچه فارغ از مباحث کلامی نوشته شده باشد و مصرف درون فرقه‌ای نداشته باشد، کم بوده است. (صفری فروشانی، ۱۳۸۶) این وضعیت تا زمانی که مجدد دولت‌های شیعی نظیر آل‌بویه بر پا شد یا خلافت عباسی منقرض گردید و فشار سیاسی، اجتماعی بر شیعیان کمتر گردید، ادامه داشت. (همان: ۱۴؛ یوسفی غروی، بی‌تا، ۵۲-۶۳)

تاریخ‌نگاری شیعیان امامی در غالب دو جریان کلامی - تاریخی و تاریخی محض - عمومی بروز یافت.

۱-۱. کتاب‌های تاریخی - کلامی

مباحث تاریخی در اثبات وجود نص بر امامت امامان، چرایی عدم اعتنای دیگر فرق به نص و نیز انتقاد از صحابه و خلفای اولیه، از جمله محورهای اصلی تشکیل دهنده کتاب‌های تاریخی - کلامی است.

نمونه‌ای از این کتاب‌ها که برجا مانده است، کتاب «الاستغاثه فی بدع الثلاثة» از ابوالقاسم کوفی در مطاعن سه خلیفه نخست است. کتاب «سلیم بن قیس هلالی»، صرف نظر از شبهاتی که در مورد برخی از اخبار آن وجود دارد نیز نص کهن در دفاع از عقاید کلامی شیعه در قالب حدیث در باب امامت است.

همچنین آثار متعدد شیخ مفید، حاوی مطالب تاریخی فراوانی است که به مناسبت حدیث غدیر و معنای ولایت یا دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ مانند کتاب «الجمال» که شیخ مفید با تلفیق مکتب تاریخی بادانش کلام آن را وسیله‌ای برای اثبات دیدگاه‌های شیعه در برابر عثمانیه و معتزله قرار داده است. (جعفریان، بی‌تا: ۲۰، ۲۱؛ خانجانی، بی‌تا)

کتاب «کامل بهایی» اثر عمادالدین طبری که در سال ۶۷۵ ه‍.ق. تألیف گشته است، از جمله این کتاب‌های تاریخی است و شامل مباحث تاریخی در اثبات وجود نص بر امامت امامان علیهم السلام، انتقاد از خلفای نخستین، مطاعن آنان و صحابه خطاکار است.

در این میان بخشی از مطالب تاریخ امامان در ضمن مجموعه‌های حدیثی بروز یافت، کتاب «کافی» اثر کلینی محدث نامدار شیعی، در فصل کتاب الحجه، مطالب تاریخی فراوانی از زندگانی امامان را در بردارد. در مرتبه بعد کتاب «بصائر الدرجات» از صفار قمی نیز مطالب کمابیش تاریخی در بردارد.

شیخ صدوق، دیگر محدث نامدار شیعی با تألیف کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» درباره تاریخ زندگی امام رضا علیه السلام؛ زندگی امام و شیعه را در این دوره کاملاً منعکس نموده است. همچنین در میان آثار دیگر او کتاب «علل الشرایع و امالی»، مشتمل بر اخبار تاریخی است. (صفری فروشانی، پیشین)

۲-۱. کتاب‌های تاریخ عمومی یا غیر کلامی

گونه‌ای دیگر از تاریخ‌نگاری شیعیان در قالب کتاب‌های تاریخی غیر کلامی - عمومی با موضوع تاریخ جهان و اسلام توسط مورخان شیعی مذهب نظیر یعقوبی، مسعودی و ابن مسکویه نگاشته شده‌اند. این دسته از مورخان، رسالتی همچون متکلمان و محدثان شیعی برای خویش قائل نبودند و در نگارش وقایع

و رویدادهای تاریخی، مطالب را به ترتیب زمان اتفاق افتاده، ذکر نموده‌اند. اینان برخلاف متکلمان و محدثان شیعی که رسالت اصلی خویش را دفاع از امامت و اثبات آن و طعن خلفای اولیه به‌عنوان ظالمان به اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند، هرچند ممکن است این عقاید را به‌عنوان اعتقادی شخصی داشته باشند ولی در نگرش آثار تاریخی خویش جانب اعتدال را رعایت کرده و اخبار خلفای اولیه را با کمترین طعن و نقد ذکر می‌کنند که این امر به زمانه و مکان زیست آنان برگشته یا شاید به دلیل فراهم آوردن کتب تاریخی محض و استفاده آن برای عموم جامعه اسلامی اعم از شیعه و سنی است. (جعفریان، پیشین: ۱۷۶؛ فلاح زاده، بی‌تا)

در عین حال رگه‌هایی از نقد خلفا و برجسته‌سازی گفتمان‌های اصلی تشیع نظیر بحث نص بر امامت را در آثار یعقوبی و مسعودی برخلاف مورخان برجسته اهل سنت همچون طبری شاهد هستیم؛ به‌عنوان نمونه یعقوبی واقعه غدیر خم را شرح داده و نزول آیه اکمال (مائده: ۳) را در غدیر خم قطعی می‌داند و به شرح حدیث ثقلین می‌پردازد. (یعقوبی، بی‌تا: ۱۱۳/۲) وی همچنین از فراهم آمدن سپاهی به فرماندهی اسامه بن زید در سن هفده سالگی وی و به دستور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در روزهای پایانی زندگی ایشان، گزارش داده و با یادآوری این‌که با وجود تأکید پیامبر، این سپاه، هرگز روانه نشد، از بودن ابوبکر و عمر در این سپاه و اعتراض اصحاب به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره فرماندهی اسامه بر آنان گزارش می‌دهد. (همان: ۱۱۳)

این در حالی است که طبری مورخ مشهور اهل سنت در کتاب تاریخ خویش، واقعه غدیر خم را ذکر ننموده و درباره سپاه اسامه بدون اشاره به دستور اعزام آن در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از اعزام آن توسط ابوبکر در آخر ربیع‌الاول سال ۱۱ هجری خبر می‌دهد. (طبری، بی‌تا: ۲۴۰/۳)

همچنین طبری در ضمن گزارش ولایت محمد بن ابوبکر در مصر توسط امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام)، از ردوبدل شدن نامه‌هایی بین او و معاویه خبر داده ولی متن آن را به سبب ناراحتی عامه ذکر نمی‌کند. (همان: ۵۵۷/۴) این مسأله به اهمیت جایگاه بحث عدالت صحابه در نزد او به‌عنوان یکی از اصول کلامی اهل سنت و عبور از اخباری که به نحوی این اصل را خدشه‌دار کند، برمی‌گردد؛ در حالی که مسعودی در کتاب مروج الذهب، در ضمن اخبار دوران معاویه متن نامه محمد بن ابوبکر و معاویه را آورده که معاویه در جواب محمد بن ابوبکر به غصب اولیه خلافت توسط ابوبکر و عمر اشاره دارد. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۱۱/۳)

۲. معرفی مورخان برجسته شیعی تا قرن ۷ هجری

تاریخ‌نگاران شیعی غیر کلامی

- یعقوبی

«احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح» نامی است که از یعقوبی در منابع شرح حال یاد می‌شود. وی به‌عنوان کاتب و اخباری شهرت دارد. لقب نخست، اشاره به شغل دبیری در دربار عباسی است و لقب دوم، به اعتبار مورخ بودن وی و آشنایی او با اخبار تاریخی. از او با عنوان «مصری» و «اصفهانی» هم یاد شده که نشان از تعلق وطنی اجداد او دارد. خود وی در بغداد به دنیا آمده و همانجا زیست کرد. لقب «عباسی» برای وی، از آنجاست که جد او «واضح» از موالی منصور عباسی بود و به همین دلیل خاندان یعقوبی، از موالی عباسیان شمرده شده‌اند.

تاریخ تولد وی دانسته نیست؛ اما «یاقوت حموی» تاریخ وفاتش را سال ۲۸۴ ه‍.ق. دانسته است. وی در کتاب «مشاکلة الناس» خود، روال تاریخی کتاب را به معتضد عباسی (خلافت از بیستم رجب سال ۲۷۹ تا ربیع‌الثانی ۲۸۹) خاتمه

داده است. به علاوه، در کتاب البلدان از سقوط طولونیان که در سال ۲۹۲هـ.ق. اتفاق افتاد، یاد می‌کند. در این صورت وی باید حداقل تا سال ۲۹۲هـ.ق. زنده بوده باشد.

- تشیع یعقوبی

یعقوبی مورخی شیعی است. علاوه بر آنچه در مورد واضح، جد یعقوبی نقل شد که نشان‌دهنده گرایش خاندان یعقوبی به تشیع است، از نوشته‌های خود یعقوبی نیز می‌توان تشیع وی را استنباط کرد. نوع گزارش او از سقیفه و برخوردهای خلفا و سیر حکومت امام علی علیه السلام تشیع وی را آشکار می‌سازد. علاوه بر آن، یعقوبی در کنار ذکر اخبار خلفا از امامان شیعه نیز به ترتیب یاد می‌کند و کلمات قصاری از آن معصومین علیهم السلام نقل می‌نماید. سخن گفتن اجمالی او از قیام زید را برخی از محققان نشانه امامی بودن تشیع یعقوبی دانسته‌اند. (دوری، بی‌تا: ۵۲، ۵۳) افزون بر آنچه گفته شد؛ یعقوبی در تاریخ خود حدیث غدیر خم و حدیث ثقلین و تفسیر آن به کتاب و عترت را نیز نقل کرده و به نزول آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائدة: ۳) در روز نصب امام علی علیه السلام تصریح دارد. همچنین او در بحث از خلفای پس از پیامبر، تعبیر امیرالمؤمنین را فقط برای امام علی علیه السلام به کار برده است. از این‌روست که بسیاری از مستشرقان نیز بر تشیع وی تأکید دارند؛ برای نمونه راینسون وی را از معدود شیعیانی می‌داند که تاریخ عمومی نوشته‌اند. (راینسون، بی‌تا: ۲۴۶؛ فلاح زاده، پیشین)

- آثار یعقوبی

یعقوبی به عنوان مورخ و جغرافی‌دان شناخته می‌شود. آثار وی نیز در همین دو زمینه تألیف شده است. از میان چندین کتابی که در منابع مختلف به وی منسوب

شده، تنها سه کتاب از وی بر جای مانده است. عناوین کتاب‌های مفقود وی عبارت‌اند از: «کتاب المسالک و الممالک»، «فتح افریقیه و اخبارها» و «اخبار الطاهیین». اما سه عنوان کتاب وی که بر جای مانده و هر سه به چاپ رسیده عبارتند از: (۱) تاریخ؛ (۲) البلدان؛ (۳) مشاکلة الناس لزمانهم.

دو کتاب «البلدان» و «مشاکله»، کم حجم‌اند. البلدان، جغرافی عمومی شهرهاست که فواید تاریخی بسیار مهمی دارد. کتاب «مشاکله» نیز درباره تقلید مردمان هر زمان از خلق و خوی خلیفه حاکم است که با نمونه‌های تاریخی ارائه شده است.

تاریخ‌نگاران شیعی کلامی

عمادالدین طبری

عمادالدین حسن بن علی طبری مؤلف تحفة الأبرار و کامل بهایی است که تا سال ۷۰۱ ه‍.ق. در حیات بوده است.

- آثار حسن بن علی بن محمد طبری

مؤلف کامل بهایی و تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، حسن بن علی بن محمد طبری یا طبرسی است که در مازندران متولد شد. او در سال ۶۶۷ ه‍.ق. با مردمی از بروجرد مناظره‌ای داشته و در سال ۶۷۱ ه‍.ق. در قم به ترجمه کتابی مشغول بود و سال بعد از آن برای مناظره به اصفهان رفته است. در سال ۶۷۳ ه‍.ق. در اصفهان کتاب مناقب الأئمة الأطهار را به بهاءالدین جوینی داده و دو سال بعد کتاب کامل السقیفه را به نام همو نوشته و ازین رو به کامل بهایی شهرت یافته است. در این دوره که شیعیان به دلیل گرایش ایلخانان مغول به تشیع موقعیتی یافته بودند، عالمان شیعی تلاش می‌کردند حقانیت مذهب خود را اثبات کنند.

علاوه بر این سه اثر مهم، آثار دیگر این عالم شیعی امامی عبارت‌اند از: اسرار الامامه که به سال ۶۹۸ ه‍.ق. و در اواخر عمرش نوشته است، اربعین بهایی در تفضیل علی علیه السلام، العمدة و الفصیح در احکام به زبان فارسی، جوامع الدلائل در امامت به زبان عربی، عیون المجالس، معتقد الامامة و... چنان‌که پیداست بیشتر آثار حسن بن محمد طبری در عقاید و به‌خصوص موضوع امامت و بیان فضایل علی علیه السلام و برتری او بر خلفای اولیه است. همچنین برخی آثار فقهی او نشان می‌دهد که از فقه‌های عصر خود بوده و نظریات او نیز در کتب فقهی مطرح است.

درمجموع وی در تبیین معارف شیعه دوازده امامی تلاش زیادی کرده ولی به اقتضای دوره خود و با توجه به اینکه در این زمان شیعیان، تازه از خفقان سیاسی و فرهنگی چندین قرن سر برآورده بودند، در آثار وی مطالبی که محل تأمل و نقد جدی است، وجود دارد؛ به‌طوری‌که برخی از این مطالب پیش از وی یافت نشده و به نظر می‌رسد عمادالدین طبری، منشأ ورود آن به کتب متأخران شده است.

موضوع کتاب کامل بهایی درباره امامت و تشیع است که به دلیل اهداء آن به بهاءالدین محمد جوینی والی اصفهان در زمان هلاکوخان مغول این نام را یافته است. نام دیگر این کتاب را سقیفه گفته‌اند زیرا در خصوص غصب خلافت و جریانات بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سقیفه سخن می‌گوید. مؤلف در مقدمه می‌نویسد: کتاب مناقب الأئمة الأطهار در موضوع تولی بود و لازم بود درباره تبری هم کتابی بنویسم و به استخاره نام آن را الکامل البهائی فی السقیفه گذاشتم. بیان مؤلف به فارسی کهن است و در واقع، این اثر ارزش ادبی و پارسی نیز دارد.

کامل بهایی که تألیف آن در سال ۶۷۵ هجری به پایان رسیده، در دو جلد است که در یک مجلد تنظیم شده است. کتاب، مشتمل بر ۲۸ باب است و هر باب دارای چندین فصل. برخی عنوان‌های کتاب عبارت‌اند از: بیان اعتقادات شیعه و سنی، بیان مذاهب اهل سنت و پاسخ آن‌ها، مناقب علی علیه السلام، آیاتی که بدان عمل نشد، فضیلت‌های ساختگی که مؤلف در این باب ۳۰ حدیث از مناقب خلفای نخست آورده و نقد کرده است. قصه سعد بن عباد، حجة الوداع و غدیر، وفات فاطمه، غلو در حب صحابه، زندگی‌نامه معاویه و بسیاری مباحث دیگر.

این کتاب در شرایطی تألیف شد که با تسلط ایلخانان و گرایش برخی از آنان به تشیع یا دست کم تسامح مذهبی آنان، فرصتی برای شیعه پیدا شد که به بیان برخی مطالب و تألیف کتاب‌هایی مانند آثار عمادالدین طبری بپردازند. طبعاً این آثار با نگاهی دشمنانی به اهل سنت تألیف شده و با تعبیر خاصی از خلفا و دشمنان اهل بیت علیهم السلام یاد می‌کند.

از آنجا که کامل بهایی جنبه کلامی و ردیه نویسی دارد مؤلف مطالب زیادی از خود بیان کرده و مطالب منقول از دیگران را هم چندان مستند نکرده است. کتاب کامل بهایی به عنوان اثری شناخته می‌شود که برای اولین بار برخی مطالب را نقل و طرح کرده است مانند داستان رقیه دختر امام حسین علیه السلام یا فرار ابولؤلؤ به قم و کاشان و داستان ارتباط او با حضرت علی علیه السلام. (طبری، ۱۳۸۳)

۳- دیدگاه یعقوبی و عمادالدین طبری در مورد رویدادهای عصر خلیفه دوم

۳-۱. امور فرهنگی و اجتماعی

تعیین مبدأ تاریخ اسلام

یکی از اقدامات خلیفه دوم، تعیین هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه به عنوان مبدأ رسمی تاریخ اسلام است.

یعقوبی، مسأله تعیین مبدأ تاریخ اسلام را بدون ذکر سند و در ضمن بحث «ایام عمر بن خطاب» با عنوان حرب القادسیه آورده است. او می‌گوید: مسأله تعیین مبدأ تاریخ اسلام در سال شانزدهم هجری اتفاق افتاده است. (یعقوبی: ۱۴۵/۲) او نظر خلیفه را به‌طور روشن بیان می‌کند:

«در همین سال {۱۶هـ} عمر نامه‌ها را تاریخ نهاد و می‌خواست تاریخ را از میلاد پیامبر خدا بنویسد، سپس گفت: از مبعث. پس علی بن ابی‌طالب بدو پیشنهاد کرد که تاریخ را از هجرت بنویسد، پس آن را از هجرت نوشت.» (همان)

مناسک حج و توسعه مسجدالحرام

یعقوبی می‌نویسد: عمر در سال ۱۷ هجری برای عمره رجبیه، عازم مکه شد و به توسعه مسجدالحرام پرداخت. او مقام {ابراهیم} را وسعت داد و از خانه {کعبه} دور ساخت و حجر را نیز وسعت داد و مسجدالحرام را تعمیر کرد و بر وسعت آن افزود و از مردم خانه‌های ایشان را خرید و دیگرانی را که زیر بار نرفتند، خانه‌هایشان را خراب کرد و بهای آن‌ها را در بیت‌المال نهاد. از جمله خانه عباس بن عبدالمطلب را خراب کرد، پس گفت: خانه‌ام را خراب می‌کنی؟ گفت: برای آنکه بدین وسیله مسجدالحرام را وسعت دهم. (همان: ۱۴۹)

وی هم‌چنین در تمام سال‌های خلافت خویش، مراسم حج را به‌جا آورد، مگر در سال نخستین خلافتش که عبدالرحمن بن عوف با مردم به حج رفت. (همان: ۱۵۹) خلیفه در سال ۲۳ هجری به زنان رسول خدا ﷺ اجازه حج داد و به همراه ایشان به حج رفت. (همان: ۱۵۷)

اجتهادات و فتاوا

۱. دستور برگزاری نمازهای مستحبی ماه رمضان به جماعت مشهور به تراویح.

یعقوبی می‌نویسد:

در سال ۱۴ هجری، قیام ماه رمضان را معمول ساخت و فرمان آن را به شهرها نوشت و ابی بن کعب و تمیم داری را فرمود تا با مردم نماز بخوانند. پس به او گفته شد که پیامبر خدا ﷺ این کار را نکرد و ابوبکر نیز آن را انجام نداد. گفت: اگر بدعت هم باشد چه نیکو بدعتی است. (همان: ۱۴۰)

عمادالدین طبری نیز در فصلی از کتاب با عنوان ویژگی‌های مغایر با امامت، به این بدعت خلیفه دوم بدون ذکر سال اشاره می‌نماید. (طبری، کامل بهایی: ۱۲۵)

۲. حرام کردن متعه از طرف عمر.

عمر با آنکه اعتراف می‌کرد متعه در زمان رسول خدا ﷺ حلال بوده، آن را حرام نمود. (همان: ۱۲۴)

۳. طاهر شدن شیره انگور بعد از جوشیدن ۲/۳ آن.

در جریان صلح بیت المقدس در سال ۱۶ هجری، عمرو عاص، شیره انگوری نزد عمر آورد، خلیفه از نحوه ساخت آن پرسید، گفت پخته می‌شود تا ۲/۳ آن برود و ۱/۳ آن بماند، عمر گفت به نظر من اشکالی ندارد. (همان: ۱۴۷)

۴. برداشتن متعه حج.

۵. در مسائل زکات تغییر بسیار داد.

۶. اولین کسی که گواهی مملوک را رد کرد.

۷. بسیاری از مسائل میراث را تغییر داد و از آن که مشهور بود اعراض نمود؛ همچون بحث عول و تصویب.

۸. بدعت نهاد که «لا نکاح الا بولی و شاهدین»، نکاح صحیح نیست مگر به

اجازه ولی و دو گواه برخلاف سنت رسول خدا ﷺ.

۹. اجازه سه طلاق در یک مجلس را داد. (کامل بیهی: ۱۲۴-۱۲۵)^۱

اقامه نماز باران در سال ۱۸ ه ق

یعقوبی از اقامه نماز باران توسط عمر در سال ۱۸ ه ق. گزارش می دهد. در این سال خشک سالی، قحطی و گرسنگی شدید در مدینه فراگیر شد و به سال رماده مشهور گشت. عمر به همراه مردم برای اقامه نماز باران از شهر بیرون رفت و دست عباس بن عبدالمطلب - عموی پیامبر - را گرفته و گفت: «خدا یا ما به عموی پیامبرت نزد تو تقرب می جوئیم؛ خدا یا گمان مردم را درباره پیامبرت بی ثمر مگردان.» (یعقوبی: ۱۵۰/۲)

برتری جویی نژاد عرب

از جمله سیاست های خلیفه دوم، برتری جویی برای نژاد عرب بود که نمونه های زیر را برای آن می توان برشمرد:

۱. نخستین کار عمر آن بود که اسیران مرتد را به قبیله های ایشان بازگردانید و گفت من خوش ندارم که بردگی بر عرب معمول گردد. (یعقوبی: ۱۳۹/۲)

۲. در تقسیم بیت المال، عرب را بر عجم و موالی برتری داد. (همان: ۱۵۳/۲؛ کامل بیهی: ۱۲۴)

۳. غیر عرب در شهر مدینه منزل نکند، جز آن ها که از زمان رسول خدا ﷺ در مدینه سکونت داشتند مانند سلمان و بلال. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۰/۲)

نکته شایان توجه اینکه در عصر خلیفه دوم، هرمان و ابولؤلؤ نیز از این قانون معاف بودند؛ زیرا هرمان در گذشته فرمانروای شوشتر بود و عمر در فتح ایران به مشورت او نیازمند بود. ابولؤلؤ نیز به سبب هنر و حرفه ای چند، نیاز اهالی مدینه را برطرف می ساخت.

۱- موارد ۴ تا ۹ فقط در کتاب کامل بیهی، باب ویژگی های مغایر با امامت آمده است و مؤلف کتاب با دیدی انتقادی، موارد فوق را جزء بدعت ها و گناهان خلیفه دانسته است.

ازدواج عمر با ام‌کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام

یعقوبی در ضمن حوادث سال ۱۷ هجری به این خواستگاری و علت آن از جانب عمر به دلیل حسب و نسب بردن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل قول حضرت علی علیه السلام که ام‌کلثوم را کودک می‌دانست اشاره کرده و مبلغ مهریه را ده هزار درهم ذکر می‌کند. (یعقوبی: ۱۴۹/۲-۱۵۰)

عمادالدین طبری، مؤلف کتاب کامل بهایی با وجود اینکه اصل این اتفاق را پذیرفته و گزارش‌های مربوط به این داستان را صحیح می‌داند؛ اما معتقد است که وقوع این قضیه نمی‌تواند دلیل بر ایمان و برتری عمر بن خطاب باشد، بدان دلیل که این اتفاق از روی اجبار و اکراه واقع شده و پس از تهدیدهای مکرر عمر بن خطاب، امام علی علیه السلام در برابر او سکوت نموده و عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وکالت از طرف امام علی علیه السلام در مراسم عقد حضور داشته و سپس مقایسه می‌نماید بین امام علی علیه السلام و لوط پیامبر که دختران خود را به کافران پیشنهاد می‌دهد. (کامل بهایی: ۲۷۳-۲۷۵)

۲-۳. امور اقتصادی

تأسیس دیوان بیت‌المال و تعیین حقوق

یعقوبی، تاریخ تأسیس دیوان بیت‌المال را سال ۲۰ هجری و علت آن را بنا بر نقل خلیفه، فزونی اموال و ندانستن چگونگی توزیع آن می‌داند. نخستین مال را هفت صد هزار درهم که توسط ابوهریره از بحرین آورده شد، ذکر می‌کند. (یعقوبی: ۱۵۳/۲) وی از عقیل بن ابی طالب، مخرمه بن نوفل و جیبر بن مطعم به عنوان اشخاصی که از سوی خلیفه برای ثبت نام مردم در دیوان بیت‌المال انتخاب شدند، نام می‌برد. (همان)

شیوه تقسیم بیت المال

عمر، شیوه تقسیم بیت المال را به طور مساوی میان تمام مسلمانان قرار نداد و اموری نظیر سبقت جستن در اسلام، شرکت در جهاد، همراهی بیشتر با پیامبر ﷺ، عرب بودن نسبت به عجم بودن و عرب خالص بودن نسبت به موالی، معیار سهمیه بندی قرار گرفت.

یعقوبی این مراتب را این گونه شرح می دهد:

«عمر گفت: مردم را به ترتیب مراتب ایشان بنویسید و از بنی عبدمناف آغاز کنید. پس نخستین کس علی بن ابی طالب را نوشت در پنج هزار و حسن بن علی را در سه هزار و حسین بن علی را در سه هزار و بقولی به عباس بن عبدالمطلب آغاز کرد در سه هزار و هر که از انصار در بدر حاضر بوده است در چهار هزار و برای اهل مکه از بزرگان قریش مانند ابوسفیان بن حرب و معاویه بن ابی سفیان در پنج هزار و سپس آنان از قریش که در بدر نبوده اند به ترتیب مراتب ایشان و برای امهات مؤمنین (زنان پیامبر) شش هزار و برای عایشه و [ام] حبیب و حفصه در دوازده هزار و برای صفیه و جویریّه، در پنج هزار و برای خودش در چهار هزار و برای پسرش عبدالله بن عمر در پنج هزار و در مردم مکه آنان که هجرت نکرده اند در شش صد و هفت صد و برای مردم یمن در چهار صد و برای مضر در سی صد و برای ربیعه در دویست مقرر داشت.» (همان)

بنا بر نقل یعقوبی، عمر، در واپسین سال خلافت خویش به نادرستی این اقدام آگاه گشت و گفت: اگر امسال زنده بمانم مانند پیامبر خدا ﷺ و ابوبکر، بیت المال را به تساوی تقسیم خواهم نمود. (همان: ۱۵۲)

دستور به تأمین جیره کودکان سرراهی و شیرخواره از بیت المال

عمر در سال ۱۸ هـ. ق. جیره خانواده های گروهی از مسلمین را مقرر داشت و فرمود تا جیره و شیر کودکان سرراهی از بیت المال تأمین شود. (همان: ۱۵۰)

جلوگیری از احتکار

در سال ۱۸ ه‍.ق. طاعون عماس، اتفاق افتاد که منجر به گرانی نان و ارزاق شد، عده‌ای از مردم دست به احتکار زدند که عمر از این اقدام جلوگیری نمود. (همان)

تعیین خراج زمین‌های سواد (زمین‌های زراعی) کوفه و گرفتن جزیه از دهقانان آن

عمر درباره سواد کوفه با اصحاب رسول خدا ﷺ مشورت کرد و بعضی از ایشان گفتند: آن را در میان ما بخش کن، پس با علی رضی الله عنه مشورت کرد و گفت: اگر امروز آن را بخش کنی برای کسانی که پس از ما باشند چیزی نخواهد بود، لیکن آن را به دست ایشان می‌سپاری تا در آن کار کنند و برای ما و آیندگان هر دو باشد. عمر گفت: خدایت بر این عقیده توفیق دهد. وی، عثمان بن حنیف و حذیفه بن یمان را فرستاد تا سواد را مساحی کردند و آنان را فرمود که بر هیچ‌کس بیش از توانایی او بار نکنند. پس خراج سواد به هشتاد هزار هزار درهم رسید. (همان: ۱۵۱-۱۵۳)

انتقال آذوقه از مصر به مدینه به‌وسیله کشتی

یعقوبی در ضمن وقایع فتح مصر از دستور خلیفه به عمرو عاص برای انتقال خواروباری به‌اندازه کفایت عموم مسلمانان از راه دریا به مدینه یاد می‌کند. او در ادامه می‌نویسد:

«چون عمرو بن عاص اسکندریه را گشود، معاویه بن حدیج کندی را نزد عمر بن خطاب فرستاد. پس معاویه بدو گفت: نامه‌ای با من بنویس. گفت: با بودن تو چه نیازی به نامه دارم؟ آنچه دیده‌ای بدو بازگویی و پیام مرا به وی برسان. پس چون نزد عمر رسید و پیشامد را بدو گزارش داد، به سجده افتاد. عمر به عمرو بن عاص نوشت که خواروباری به‌اندازه کفایت عموم مسلمانان از راه دریا به مدینه حمل کند تا آن را به بندر جار^۱ برساند.

۱. شهری در ساحل دریای قلزم که میان آن و مدینه روزی و شبی و تا ایله در حدود ده منزل و تا بندر جحفه در حدود سه منزل راه است (مراصد الاطلاع).

پس خواروبارها را به قلزم حمل کردند، سپس آن را از راه دریا در بیست کشتی که هر یک سه هزار اَرَدَب^۱ و کمتر و بیشتر بارشده بود فرستاد تا به جار رسید و عمر از رسیدن آن خبر یافت پس به همراه بزرگان اصحاب پیامبر خدا ﷺ، بیرون آمد تا وارد جار شد و کشتی‌ها را نگرست سپس کسی را وکالت داد که آن خواروبار را تحویل گیرد و در آنجا دو کاخ بنا نهاد و آن خواروبار را در آن دو انبار کرد. (همان: ۱۵۴/۲)

مؤلف کامل بهایی در گزارشی یک سطری از دستور خلیفه دوم مبنی بر نهی حمل گندم از مصر به مدینه به وسیله کشتی و حمل آن به وسیله شتران اعراب با گرفتن کرایه خبر می‌دهد و این امر را جزء خصلت‌های بد و مغایر با امامت می‌شمرد. (کامل بهایی: ۱۲۵)

استفاده از حواله برای توزیع آذوقه

یعقوبی در ادامه گزارش قبلی مبنی بر حمل آذوقه از مصر به مدینه، می‌نویسد:

«سپس خلیفه، زید بن ثابت را فرمود که مردم را برحسب مراتب ایشان بنویسد و برای ایشان حواله‌هایی از کاغذ بنویسد و پایین آن‌ها را مهر کند، پس عمر نخستین کس بود که حواله داد و پایین حواله‌ها را مهر کرد. (یعقوبی: ۱۵۴/۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اَرَدَب بکسر همزه و سکون راء و فتح دال و تشدید ب، پیمانه‌ای است به اندازه ۲۴ صاع که هر صاعی چهار مد است.

نتیجه‌گیری

با بررسی انجام‌شده در این مقاله، حجم پرداخت به رویدادهای عصر خلیفه دوم، در آثار یعقوبی نسبت به عمادالدین طبری در محورهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بیشتر بوده و همسو با مورخان برجسته اهل سنت است. این در حالی است که عمادالدین طبری نسبت به رویدادهای عصر خلافت عمر از روش مرسوم مورخان فوق‌پیروی نکرده؛ بلکه تنها برای نقد عملکرد خلیفه دوم و مطاعن وی به بیان رویدادها و وقایع این عصر می‌پردازد.

در مجموع این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز اساسی در جریان تاریخ‌نگاری تشیع کلامی و اعتقادی که نمونه بارز آن در آثار عمادالدین طبری تبلور یافته است، بحث اثبات امامت ائمه و نقد عملکرد خلفا به‌عنوان غاصبان بخش حکومتی آن است. این‌گونه از مورخان با توجه به روح حاکم در عصر و زمان ایشان که فضای به نسبت بازی که برای شیعیان از حیث سیاسی و اجتماعی هم‌زمان با سقوط خلافت عباسی در قرن ۷ هجری ایجاد شده بود، توانستند اندیشه‌های کلامی خویش را آزادانه ابراز نموده و از علم تاریخ برای تبیین هرچه بهتر آن استفاده نمایند و دیدگاهی انتقادی نسبت به رویدادهای عصر خلیفه دوم و کشش فرهنگی و اجتماعی وی ابراز دارند.

در تاریخ‌نگاری جریان تشیع غیرکلامی، تاریخ‌نگاران شیعی همچون یعقوبی به علت نگارش آثار تاریخی در غالب تاریخ عمومی و عرضه آن به‌کل جامعه اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، از دید مثبت یا خشی به کارنامه حکومتی خلیفه دوم نگاه نموده و نقدی بر عملکرد او در آثارشان دیده نمی‌شود یا بسیار اندک است و به‌نوعی دیدگاه تعاملی دارند، هرچند در رابطه با بحث امامت،

احترام و نگاه مثبتی به ائمه شیعه و به خصوص حضرت علی علیه السلام داشته و به عنوان امامی که معاصر با دوران زندگی خلیفه دوم بوده‌اند، به نقش مثبت ایشان در رویدادها و اتفاقات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی پرداخته‌اند.



منابع و مآخذ

۱. آرام، محمدباقر. (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخننگاری عصر صفویه*، تهران: امیرکبیر.
۲. آئینه‌وند، صادق. (۱۳۸۷)، *علم تاریخ در گستره تاریخ اسلام*، چ ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین. (۱۳۷۹)، *شرح نهج البلاغه*، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، چ ۱، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۴. ابن اثیر، علی بن ابوالکرم. (۱۳۹۸ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالفکر.
۵. _____ (بی تا)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بی جا: المکتبه الاسلامیه.
۶. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی. (۱۳۷۲)، *الفتوح*، ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۷. _____ (۱۴۰۶ق)، *الفتوح*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶)، *امالی*، تهران: کتابچی.
۹. _____ (۱۴۰۵ق)، *عیون الاخبار الرضا*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۸ق)، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، بیروت: دارصادر.
۱۱. _____ (۱۳۹۰ق)، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. _____ (بی تا)، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دارصادر.
۱۳. ابن خلدون، عبدالرحمان. (۱۳۷۵)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، چ ۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۳۷۴)، *الطبقات الکبری*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.

۱۵. _____ (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الكبرى*، به كوشش: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية.
۱۶. _____ (۱۴۱۷ق)، *الطبقات الكبرى*، به كوشش: رياض عبدالله عبدالهادي، بيروت: دارالحياة التراث العربي.
۱۷. _____ (۱۳۷۶ق)، *الطبقات الكبرى*، به كوشش: احسان عباس، بيروت: دارصادر.
۱۸. ابن سبّه، عمر. (۱۴۱۰ق)، *تاريخ المدينة المنورة*، قم: دارالفكر.
۱۹. ابن كثير الدمشقي، اسماعيل. (۱۴۰۸ق)، *البداية والنهاية*، به كوشش: علي شيري، بيروت: داراحياء التراث العربي.
۲۰. ابن ماجه قزويني، محمد بن يزيد. (۱۳۴۹ق)، *سنن ابن ماجه*، بيروت: [بي نا].
۲۱. ابن مسكويه، احمد بن محمد. (۱۳۶۹)، *تجارب الامم*، ج ۱، ترجمه: ابوالقاسم امامي، تهران: سروش.
۲۲. _____ (۱۳۷۹)، *تجارب الامم*، تحقيق: ابوالقاسم امامي، چ ۲، تهران: سروش.
۲۳. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۶ق)، *لسان العرب*، تحقيق: امين محمد عبدالوهاب، محمدصادق عبيدي، بيروت: التراث العربي، مؤسسه التاريخ العربي.
۲۴. ابن نديم، محمد بن اسحق. (۱۴۱۶ق)، *الفهرست*، چ ۱، بيروت: دارالكتب العلمية.
۲۵. _____ (بي تا)، *الفهرست*، قاهره: مطبعه الاستقامه.
۲۶. ابن هشام، عبدالله بن يوسف. (۱۴۱۲ق)، *السيرة النبوية*، به كوشش: سهيل زكار، بيروت: دارالفكر.
۲۷. _____ (بي تا)، *السيرة النبوية*، تحقيق: مصطفى السقا و ابراهيم الأياري و عبدالحفيظ شلبي، بيروت: دارالمعرفة.
۲۸. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي. (۱۴۱۲ق)، *المنتظم في تاريخ الملوك والامم*، به كوشش: محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبدالقادر عطا، چ ۶، بيروت: دارالكتب العلمية.
۲۹. ابن عبدالبر، يوسف. (۱۴۱۲ق)، *الاستيعاب في معرفة الاصحاب*، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دارالجيل.

۳۰. _____ (بی‌تا)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، به کوشش: علی محمد البجاوی، قاهر: مکتبه نهضه مصر و مطبعتها.
۳۱. ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم. (۱۳۸۹ق)، *الامامة والسياسة*، قاهره: مکتبه مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
۳۲. _____ (۱۴۱۰ق)، *الامامة والسياسة المعروف بتاريخ الخلفاء*، تحقیق: علی شیری، چ ۱، بیروت: دارالاضواء.
۳۳. الویری، محسن. (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال ۳، ش ۸، پاییز.
۳۴. بانشی، رحمت‌الله. (۱۳۹۴)، *تاریخ‌نگاری محدث قمی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۰۳ق)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. _____ (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، چ ۱، بیروت: دارالفکر.
۳۷. پیشوایی، مهدی. (۱۳۹۳)، *تاریخ اسلام از سقیفه تا کربلا*، قم: دفتر نشر معارف.
۳۸. ترکمنی آذر، پروین. (۱۳۹۵)، *درآمدی بر تاریخ‌نگاری در ایران (از دوره اسلامی تا حمله مغول)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۹. تقوی، سید ابرار حسن. (۱۳۹۳)، *بررسی تطبیقی منابع تاریخی شیعی و سنی درباره تعامل حضرت علی با خلفا*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۴۰. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۹۵ق)، *الغارات*، به کوشش: سید جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۴۱. جعفریان، رسول. (۱۳۷۶)، *منابع تاریخ اسلام*، قم: انصاریان.
۴۲. _____ (۱۳۸۶)، *حیات فکری سیاسی امامان شیعه*، چ ۱۰، قم: انصاریان.
۴۳. _____ (۱۳۸۹)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۲، (تاریخ خلفا)، چ ۸، قم: دلیل‌ما.
۴۴. _____ (۱۳۹۳)، *تاریخ تشیع در ایران*، ج ۱، چ ۶، تهران: نشر علم.
۴۵. _____ (بی‌تا)، *تاریخ تشیع در ایران*، ج ۱، قم: انتشارات انصاریان.

۴۶. حضرتی، حسن. (۱۳۸۷)، *دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، چ ۲، قم: بوستان کتاب.
۴۷. خانجانی، قاسم. (۱۳۹۲)، *شیخ مفید و تاریخ‌نگاری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۸. خلیفه بن خیاط. (بی‌تا)، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، به کوشش: سهیل زکار، بی‌جا: وزاره الثقافیه و الارشاد القومی، احیاء التراث القدیم.
۴۹. داداش نژاد، منصور. (۱۳۸۶)، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، *نامه تاریخ پژوهان*، سال ۳، ش ۱۰.
۵۰. دینوری، احمد بن داود. (۱۳۶۶)، *الاخبار الطوال*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۵۱. _____ (بی‌تا)، *الاخبار الطوال*، بغداد: المكتبة العربیه.
۵۲. سجادی، صادق؛ هادی عالم زاده. (۱۳۹۵)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، چ ۱۴، تهران: سمت.
۵۳. سرخیل، فاطمه. (۱۳۹۰)، *تاریخ‌نگاری ابن ابی الحدید*، قم: بوستان کتاب.
۵۴. سلیم بن قیس هلالی. (۱۴۰۵ق)، *اسرار آل محمد*، ترجمه: محمد انصاری زنجان‌ی خونی، چ ۱، قم: نشر الهادی.
۵۵. صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶)، «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق»، *فصلنامه تاریخ پژوهان*، ش ۱۰.
۵۶. طبری، حسن بن علی. (۱۳۸۳)، *کامل بهایی*، تحقیق و تصحیح: اکبر صفدری قزوینی، تهران: انتشارات مرتضوی.
۵۷. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، چ ۲، بیروت: دارالتراث.
۵۸. غلامی، یوسف. (۱۳۹۳)، *پس از غروب*، چ ۳، قم: انتشارات نجم الهدی.
۵۹. فلاح زاده، سید حسین. (۱۳۹۷)، «نقش شیعیان در تدوین منابع تاریخ عمومی جهان و اسلام»، *مجموعه مقالات کنگره نقش شیعه در تمدن اسلامی*، قم.
۶۰. قائدان، اصغر. (بی‌تا)، «اندیشه ایجاد ارتشی ثابت و دایمی در اسلام»، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ش ۳۶ و ۳۷.

۶۱. گروه تاریخ پژوهشکده حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۹)، *مسکویه، زندگی‌نامه و آثار و اندیشه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶۲. گوهری فخرآباد، مصطفی. (۱۳۹۶)، *طبقات ابن سعد در ترازوی نقد*، تهران: انتشارات سفیر اردهال.
۶۳. مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۵)، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چ ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۴. _____ (۱۳۷۴)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چ ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۵. _____ (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: اسعد داغر، چ ۲، قم: دار الهجره.
۶۶. _____ (بی‌تا)، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح: عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دار الصاوی.
۶۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۶)، *الجمال*، تحقیق: سید علی میرشریفی، قم: بوستان کتاب.
۶۸. _____ (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
۶۹. _____ (۱۴۱۳ق)، *الفصول المختارة*، قم: کنگره شیخ مفید.
۷۰. واقدی، محمد بن عمر. (۱۳۷۶)، *المغازی*، چ ۲، قم: مرکز نشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۷۱. هدایت‌پناه، محمدرضا؛ احمدی، علی. (بی‌تا)، «سیره نگاری ابن عقده؛ عرصه تقابل سیره نگاری علوی با عثمانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام*، سال ۲۰، ش ۷۲.
۷۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، چ ۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷۳. _____ (بی‌تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دارصادر.
۷۴. یوسفی غروی، محمدهادی. (بی‌تا)، *آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع*، قم: دفتر نشر معارف.